مقایسه آنچه این روزها در سیاست خارجی کشور می‌گذرد با یک تجربه تاریخی

تکرار تجربه تلخ سال ۲۰۰۵ با «اینستکس»

گزارش یک

مهدی پورصفا

این روزها ماجرای اینستکس و طرح اروپایی‌ها برای جبران تبعات خروج امریکا از برجام به اصلی‌ترین سوژه فضای سیاسی ایران تبدیل شده است. این طرح که با انتقادات فراوانی در بین افکار عمومی مطرح شده است، دقیقاً خاطره بسته پیشنهادی اروپایی‌ها در سال ۲۰۰۵ را زنده می‌کند؛ بسته‌ای که به رغم هیاهوی بسیار سودی برای ایران نداشت.

بسته بزرگ پیشنهادی اروپایی‌ها برای ایران دقیقاً محصول فرآیندی بود که از سال ۲۰۰۳ و با سفر وزرای خارجه سه کشور اروپایی به تهران آغاز شد؛ سفری که در نهایت به مذاکرات بروکسل منجر شد.

با وجودی که مذاکرات بروکسل برای حل اختلاف در نهایت به بن بست رسید و آژانس قطعنامه شدیداللحنی علیه ایران صادر کرد، اما دو طرف مذاکرات خود را برای رسیدن به توافق بار دیگر آغاز کردند.

ایران ابتدا در اوت ۲۰۰۴ طرحی با عنوان چارچوبی برای تضمین‌های متقابل در پاریس به سه کشور اروپایی ارائه داد که از طرف آنها مورد قبول واقع نشد.

ایران طرح اصلاح شده چارچوبی برای تضمین‌های متقابل را در همان ماه با یک چارچوب زمانی پنج مرحله‌ای در برلین به کشورهای اروپایی ارائه کرد. اروپا نیز طرحی با نام راه پیش رو را ارائه داد که ایران این طرح را غیرقابل قبول خواند، سپس ایران در جلسه ۲۱اکتبر طرحی با نام D- Day Plan به اروپایی‌ها ارائه کرد.

در سوم نوامبر نیز اروپایی‌ها طرحی با عنوان پیش‌نویس توافق مطرح کردند که در واقع طرح مقدماتی توافقنامه پاریس شد.

۱۴ نوامبر ۲۰۰۴ در دور آخر مذاکرات ایران و سه کشور اروپایی توافقنامه پاریس منعقد شد. طی این توافقنامه ایران و سه کشور اروپایی بر مندرجات بیانیه تهران تأکید کردند. ایران متعهد شد تا با آژانس همکاری کامل کند و به صورت داوطلبانه پروتکل الحاقی را اجرا کند و تا زمان تصویب ادامه دهد.

همچنین به طور داوطلبانه برنامه تعلیق را ادامه و توسعه دهد تا شامل تمام فعالیت‌های مربوط به غنی‌سازی و بازفرآوری مانند ساخت، تولید، نصب، آزمایش، سرهم‌بندی و راه‌اندازی سانتریفیوژهای گازی و فعالیت‌های مربوط به جداسازی پلوتونیوم شود و این تعلیق را به آژانس اطلاع داده و از بازرسان آژانس دعوت به نظارت کند. همچنین کشورهای اروپایی متعهد شدند تا از آغاز مذاکرات پیوستن ایران به سازمان تجارت جهانی حمایت کنند. در این موافقتنامه ذکر شد تا زمانی که مذاکرات برای یک توافق مورد قبول دو طرف ادامه می‌یابد، تعلیق ادامه خواهد داشت و سه کشور اروپایی نیز اذعان کردند تعلیق به صورت داوطلبانه بوده و الزام حقوقی ندارد. هر دو طرف توافق کردند مذاکرات ادامه یابد تا یک توافق مورد قبول دو طرف به دست آید.

همچنین ذکر شد مدت‌زمان این توافقنامه شش ماه است که در صورت موفقیت یا عدم موفقیت مذاکرات تعلیق برداشته می‌شود و فعالیت‌های هسته‌ای باید آغاز شود.

در جلسه ۲۹ نوامبر ۲۰۰۴ شورای حکام آژانس نیز نگرش مثبتی به توافقنامه پاریس ایجاد شده بود.

در قطعنامه نوامبر مسئله عدم انحراف و صلح آمیز بودن برنامه هسته‌ای ایران و اقدامات جبرانی ایران ذکر و تأکید شده بود بازرسی‌ها در چارچوب پروتکل انجام خواهد شد. موضع کشورهای اروپایی نسبت به مذاکرات کمی با هم متفاوت بود. آلمان‌ها خوش‌بین‌تر بودند، انگلیسی‌ها محافظه‌کارتر بودند و سعی داشتند امریکا را راضی نگه دارند و فرانسوی‌ها جایی بین این دو حالت داشتند اما هر سه کشور به مذاکرات امیدوار بودند.

اروپایی‌ها می‌دانستند که بدون حمایت امریکا مذاکرات با ایران شکست خواهد خورد، بنابراین تمایل داشتند امریکا وارد مذاکرات با ایران شود اما امریکا تلاش می‌کرد تعامل کشورهای اروپایی با ایران ادامه نیابد. دو روز بعد از توافقنامه پاریس وزیر خارجه امریکا به خبرنگاران گفت، امریکا اطلاعاتی به دست آورده است که نشان از برنامه ساخت سلاح هسته‌ای توسط ایران دارد. سخنگوی معاون وزیر خارجه امریکا نیز تأکید کرد که ایران دارای یک برنامه هسته‌ای پنهانی است.

■ امریکا و باز هم امریکا

پس از امضای توافقنامه پاریس به تناوب دیدارها و مذاکرات متعددی بین ایران و نمایندگان اروپا انجام شد. در ۱۳دسامبر ۲۰۰۴ مذاکره با سه وزیر اروپایی در بروکسل آغاز شد و دیدارهای دوجانبه ایران با سه کشور صورت گرفت اما تا پایان مارس ۲۰۰۵ به دلیل مخالفت‌های امریکا پیوستن ایران به تجارت جهانی محقق نشد.

موضوعی که در بهار ۲۰۰۵ از طرف اروپایی‌ها مطرح شد این بود که با پایان یافتن دولت هشتم در ایران و روی کار آمدن دولت جدید با مواضع نامشخص، اروپا روند پیگیری توافقنامه را به کندی پیش می‌برد و در انتظار نتیجه انتخابات ایران بود اما موضوع دومی که مذاکرات پاریس را با مشکل مواجه می‌کرد عدم موافقت امریکا با کشورهای اروپایی بود. آنها باید موافقت امریکا را جلب می‌کردند زیرا از اینکه تحت فشار امریکا قرار بگیرند واهمه داشتند و نگران عکس‌العمل امریکا بودند، لذا از اجرایی شدن توافقنامه پاریس امتناع می‌کردند. یوشکا فیشر در سال ۲۰۰۶ در برلین این نکته را به دبیر شورای عالی امنیت ملی ایران یادآوری کرده بود که آنها (اروپایی‌ها) به توافق رسیدند ولی امریکایی‌ها نگذاشتند.

در ۲۳مارس ۲۰۰۵ در پاریس ایران طرحی چهار مرحله‌ای به طرف اروپایی ارائه کرد. در این طرح اقدامات ایران و اروپا شرح داده شد.

اروپایی‌ها زمان خواستند تا طرح پیشنهادی ایران را بررسی کنند. پیتر جنکینز (از اعضای هیئت انگلیسی) می‌گوید: «کاملاً می‌دانستم وقتمان را تلف می‌کنیم، هدف امریکا برچیدن تمام برنامه غنی‌سازی ایران بود.» در واقع هدف اروپا نیز اتلاف وقت بود. انگلیس، فرانسه و آلمان به دلیل توافق با نیکلاس برنز و سوزان رایس خواهان تعلیق نامحدود غنی‌سازی از سوی ایران بودند.

علاوه بر فشار امریکا و ترس اروپایی‌ها از احتمال حمله امریکا به ایران، اروپایی‌ها نیز مانند بوش به این نتیجه رسیده بودند که ایران از موضع ضعیف‌تر وارد مذاکرات شده و ناچار است در مذاکرات با غرب به توافق برسد. اروپایی‌ها تصور می‌کردند در نهایت ایران تسلیم شده و هر شرطی را قبول خواهد کرد.

■ وقت‌کشی اروپایی‌ها در مقابل عجله ایرانی‌ها

در این میان ایران تلاش می‌کرد جلسات بعدی سریع‌تر انجام شود اما طرف اروپایی عجله‌ای برای تشکیل جلسات نداشت. اروپایی‌ها با هر بهانه‌ای جلسات را به تأخیر می‌انداختند. آنها از ایران می‌خواستند تا غنی‌سازی را به تأخیر بیندازد، چون هنوز نتوانسته بودند با امریکا به توافق برسند. نهایتاً پس از جلسه ۲۳مارس در پاریس جلسه بعدی در ۲۹ آوریل ۲۰۰۵ در لندن برگزار شد. در این جلسه تیم مذاکره کننده ایران متنی را به اروپایی‌ها داد و اعلام کرد که در یک فرصت ۱۵روزه باید تفاهم حاصل شود در غیر این صورت کارخانه UCF اصفهان راه‌اندازی خواهد شد. سه کشور متن را نپذیرفتند و مذاکرات بدون نتیجه سپری شد. ۱۱می ۲۰۰۵ سه وزیر اروپایی در نامه‌ای خواهان ملاقات با تیم مذاکره‌کننده ایران شدند. ۲۵می مذاکرات ایران و سه کشور اروپایی و نماینده اتحادیه اروپا در ژنو انجام شد. در این مذاکرات قرار بر این بود تا طرف اروپایی طرح جامعی را تا پایان ماه جولای ۲۰۰۵ ارائه دهد.

کمی قبل از ارائه طرح پیشنهادی اروپایی‌ها، فرانسوی‌ها از طرح مورد نظر به ایران اشاره کرده بودند و ایران دریافت در این طرح، پیشنهادات چندانی از طرف اروپایی‌ها به سود ایران ارائه نشده است.

در نهایت از طرف ایران غیرقابل قبول بودن طرح فوق به آنها ابلاغ شد. نادیده گرفتن حقوق ایران در برخورداری از چرخه سوخت نیروگاهی و غنی‌سازی اورانیوم از دلایل رد پیشنهاد اروپایی‌ها عنوان شد. در همان روز کار در تأسیسات هسته‌ای اصفهان زیر نظر مقامات و بازرسان آژانس آغاز شد.

■ تکرار تجربه سال ۲۰۰۵

حالا به نظر می‌رسد اینستکس تکرار همان تجربه ناموفق بسته پیشنهادی اروپا در سال ۲۰۰۵ است؛ پیشنهادی که تنها برای اتلاف وقت به ایران داده شد و در نهایت با جواب منفی ایران منجر به از بین رفتن تمام چرخه مذاکرات شد. واقعیت این است که حتی پیشنهاد ناقص اروپایی‌ها هم با هماهنگی امریکا مطرح شده و هیچ انتظاری وجود ندارد که اروپا بتواند مستقل از امریکا حرکت کند.

اینکه اینستکس بتواند مستقل از امریکا دردی را از ما دوا کند، تکرار همان تجربه سال ۲۰۰۵ در مقابل کشورهای اروپایی است.

گزارش ۲

واکنش کارشناسان به بی‌عملی اروپا در قبال تعهدات برجامی

ایران به سمت خروج از برجام و NPT برود

بعد از گذشت ۱۴ماه از خروج ایالات متحده امریکا از برجام، کشورهای اروپایی هنوز نتوانسته‌اند در جهت تأمین منافع برجامی جمهوری اسلامی ایران گامی بردارند. سه کشور فرانسه، آلمان و انگلیس حتی هیچ کدام از تعهدات خود در متن برجام را چه قبل از خروج دولت امریکا از برجام و چه بعد از آن نیز انجام نداده‌اند و حتی شرکت‌های اروپایی نیز طی ۱/۵سال اخیر ترجیح داده‌اند از سرمایه‌گذاری در ایران صرف‌نظر کنند.

طی هفته‌های اخیر و با تغییر رویه طرف ایرانی در اجرای تعهدات خود در برجام و تعیین ضرب‌الاجل، مقامات اروپایی با حفظ لحن تهدید علیه تهران تلاش کرده‌اند تا اینستکس را راه‌اندازی کنند و مانع از کاهش بیشتر تعهدات برجامی ایران شوند. این در حالی است که اصل اینستکس سازوکاری بر مبنای عدم رابطه بانکی میان ایران و اروپاست و تراکنش بانکی میان ایران و اروپا انجام نمی‌شود و بانک‌های ایرانی با بانک‌های اروپایی رابطه کارگزاری ندارند. بر همین اساس، ایران نفت یا کالایی دیگر به شرکتی اروپایی می‌فروشد یا خط اعتباری برای ایران باز می‌شود، حساب ایران در اینستکس بستانکار می‌شود.

اینها در شرایطی است که بر فرض آنکه چنین سازوکاری نیز اجرایی شود کف خواسته‌های طرف ایرانی تأمین نمی‌شود و طرف‌های غربی همچنان الزامی به پایبندی خود بر تعهدات برجامی ندیده و مانند چهار سال اخیر هرگاه بخواهند می‌توانند محدودیت‌های بین‌المللی علیه ایران نظیر تحریم‌های جدید را فعال کنند!

■ اروپا روغن ریخته را نذر امامزاده می‌کند

بسیاری از کارشناسان و صاحبنظران داخلی منتقد رفتار کنونی اروپا در قبال ایران هستند از جمله آنها فؤاد ایزدی است که در این باره اظهار می‌کند: نکاتی که آقای عراقچی بیان داشت، نکات درستی بود که بحث‌های اروپایی‌ها در حال حاضر فقط یک قدم و حرکت رو به جلو بوده است اما با کاری که در راستای برجام باید اتفاق می‌افتاد فاصله خیلی زیادی دارد. براساس برجام، اخلال در تجارت بین‌المللی ایران ممنوع شده بود، به این معنی که ایران باید می‌توانست نفت خود را بدون ایجاد مزاحمت و اخلال به فروش برساند و سپس پول فروش نفت را دریافت کند و این موردی است که اینستکس باید ورود و آن را حل کند که ایران بتواند به حالت طبیعی برگشته و فروش داشته باشد و بعد از آن اینستکس کمک کند تا این پول به دست ایران برسد.

این کارشناس مسائل سیاسی خاطرنشان کرد: اروپایی‌ها این کار را نکردند، تنها اقدامی که انجام دادند در مواردی مانند غذا و دارو بوده که شامل تحریم‌ها هم نبوده است، لذا این کاری بود که گفتند ما در این حوزه‌ها ورود می‌کنیم. اصطلاحی داریم که می‌گوید «روغن ریخته را نذر امامزاده می‌کنند»، البته که اروپایی‌ها معتقد به امامزاده نیستند اما معتقد به کارهای نمادین و غیرتأثیرگذار هستند.

وی ادامه داد: فعلاً تنها اقدامی که انجام داده‌اند در همین حد است، البته با توجه

به اصلاح سیاستی که ۱۸ اردیبهشت داشتیم، یعنی بیانیه شورای عالی امنیت ملی که در نهایت به طرف مقابل این پیام را داد که ادامه مسیر یک سال گذشته آنها برای ایران قابل قبول نیست، لذا آنها این حرکت کوچک را انجام داده‌اند اما به این معنی نیست که ایران بیانیه ۱۸ اردیبهشت را اجرا نمی‌کند. نیازی که ایران دارد و وظیفه‌ای که اروپا و ۱+۵ داشته‌اند باید محقق شود که نشده و همچنین حرف‌هایی که اروپایی‌ها زدند با اینکه خوب است، اما حرف‌هایی نیست که در حد وظایف‌شان ذیل برجام باشد.

این استاد دانشگاه همچنین بیان کرد: دولت باید آن پروژه‌ای که بعد از ۶۰ روز اتفاق افتد را بدون تأخیر انجام دهد، زمانی که طرف مقابل به آن چیزی که ذیل برجام تعهد کرده عمل کند، ایران می‌تواند به حالت عادی برگردد و اگر عملی نکرد ایران باید به تدریج به سمت خروج از برجام و NPT برود.

وی با تأکید بر اینکه خروج از ان‌پی‌تی باید در دستور کار دولت باشد و فقط خروج از برجام کافی نیست، گفت: در واقع باید هزینه سنگین‌تری بر آنها تحمیل شود، اکنون متوجه شدیم که هزینه کم سرعت حرکت طرف مقابل را خیلی زیاد نمی‌کند، هزینه باید جدی‌تر باشد، همان‌طور که می‌دانید ما تعهدی نداریم ذیل برجام باشیم، وقتی طرف مقابل ذیل برجام نیست، تعهدی نداریم ذیل ان‌پی‌تی باشیم، وقتی سودی برای کشور نداشته و فقط ضرر داشته است، در نتیجه کشور باید دنبال منافع ملی خودش باشد و نمی‌تواند معطل کشورهایی باشد که کارشان معطل کردن ایران است.

■ وعده اروپا برای اجرای «اینستکس» وقت‌کشی است

برخی از منتخبان مردم در مجلس نیز در صف منتقدان مدارای بیش از حد با اروپا هستند. ابوالفضل حسن بیگی در همین باره می‌گوید: پس از خروج امریکا از برجام، اروپا هیچ تلاشی برای اجرای این معاهده بین‌المللی نکرد و تنها با وقت‌کشی، ایران را پایبند برجام کرد. حسن‌بیگی با بیان اینکه وعده‌های اروپا در راستای خرید زمان برای امریکاست، گفت: ایران به اروپا امیدوار نیست، مسئولان و ملت ایران به اجرای تعهدات برجام از سوی اروپا امیدوار نیستند زیرا می‌دانند اروپا تحت امر امریکاست و قدرت عمل مستقل برای تأمین منافع خود ندارد.

وی تصریح کرد: اگر برجام برای ما منفعتی نداشته باشد هیچ دلیلی ندارد که برای اروپایی‌ها و امریکایی‌ها منفعت داشته باشد و ایران باید به اقدامات خود در کاهش تعهدات برجام عمل کند. تا زمانی که اروپا اقدام عملی برای اجرای تعهدات خود در برجام و تبادلات تجاری و بانکی انجام نداده هر نوع کوتاه آمدن ایران از مواضع خود اشتباه است و باید کاهش تعهدات برجام ایران ادامه یابد.

■ فریب دوباره از غرب، شکستی برای دیپلماسی

بیژن نوباوه نماینده مردم تهران در مجلس نهم در گفت‌وگو با فارس با اشاره به اقدامات اخیر اروپا در حوزه برجام و اینستکس، اظهار کرد: اروپایی‌ها با طرح «اینستکس» تلاش می‌کنند تا اراده دیپلماسی کشور را کاهش دهند و مانع از اقدام ایران در روز موعود و پس از اتمام فرصت دو ماهه‌اش به اروپا شوند.

نوباوه اظهار کرد: قول هایی که در وین داده شده است، دو مشکل دارد؛ اول آنکه بر اساس اعلام رئیس‌جمهور قرار بود ظرفیت غنی‌سازی را افزایش دهیم و آن را به ۲۰درصد برسانیم. اقدام اروپایی‌ها نیرنگ تازه‌ای است چراکه هیچ سازوکاری ندارد. آنها قصد دارند که ایران از غنی‌سازی ۲۰درصد عقب‌نشینی و صرف‌نظر کند در حالی که این خطر بسیار بزرگی است. وی ادامه داد: اروپایی‌ها با طرح «اینستکس» با نیرنگ وارد شده‌اند و می‌خواهند اقدام ما را به عقب بیندازند. یک سال پیش به ما دروغ گفته‌اند و حالا باز هم دروغ می‌گویند. اروپایی‌ها می‌گویند که با دو بانک صحبت کرده‌اند که ایران از طریق این دو بانک مقداری پول همچون ۱۰میلیون دلار را انتقال دهد.

در حالی که در حوزه پزشکی و دارو نزدیک ۲۰۰میلیون دلار انتقال انجام می‌شود و این رقم‌های اعلامی از سوی اروپا بسیار اندک است و به درد جمهوری اسلامی ایران نمی‌خورد. این یک سیاست «یک بام و دو هواست».

وی ادامه داد: اروپایی‌ها با این اقدام می‌خواهند اعلام کنند که ما آغاز کرده‌ایم و شما هم راضی باشید در حالی که این اقدام به درد نظام جمهوری اسلامی نمی‌خورد و عزم‌مان را از بین می‌برند تا سیاست خود را اجرایی نکنیم. اینها کمکی به برقراری سازوکار مالی نمی‌کند. نوباوه اظهار کرد: سازوکار اینستکس یک سازوکار شکست‌خورده‌ای است و غربی‌ها قطعاً توان مقابله با امریکا را دارند اما نمی‌خواهند در برابر امریکا مقابله کنند، چون آنها حلقه وصل سیاست‌های امریکا هستند.

وی بیان کرد: امریکا با تهدیدهایش اروپا را همراه می‌کند و به آنها قول داده است تا طی چند ماه ایران را به زانو دربیاورد. فریب دوباره امریکا را خوردن و تحمل فشار امریکا و پذیرش اقدام اروپا، شکست بزرگ دیپلماتیک سیاسی و اقتصادی برای کشور است.

دنیای مجازی

■ آینده سیاسی ترامپ در دست ایران!

سید محمد حسینی وزیر اسبق ارشاد در صفحه توئیتر خود درباره آینده سیاسی ترامپ نوشت: آینده سیاسی ترامپ در دست ایران. رأی الیوم می‌نویسد: پس از شکست‌های سریالی همچون مکزیک، بیمه سلامت، جنگ تجاری و خروج از معاهده پاریس تلاش برای نابود کردن سازمان ملل، ترامپ نمی‌تواند از پیروزی در انتخابات آتی مطمئن باشد، مگر آنکه ایران با مذاکره موافقت کند.

■ بدبختی در امریکا و کانادا، بهشت‌سازی در ایران

هانی هاشمی نوشت: در حالی که طبق آمار وزارت مسکن امریکا تعداد بی‌خانمان‌های امریکایی در سال ۲۰۱۸ چیزی بالغ بر نیم‌میلیون نفر تخمین زده شده و نیویورک و لس‌آنجلس با ۷۸ و ۴۹هزار نفر بی‌خانمان با اختلاف بدترین اوضاع را دارند با جست‌وجو در سه کانال بالای یک میلیون مخاطب چیزی جز بهشت نمی‌بینید.

■ کاری که رضاخان با کشف حجاب کرد

سید راضیه حسینی یک فعال رسانه‌ای در توئیتر جمله‌ای از خانم دکتر روح‌افزا در مورد گرانی چادر مشکی منتشر کرد. چادر مشکی الان حدود ۴۰۰ تا ۵۰۰هزار تومان است. کدام خانواده کارگری می‌تواند برای همسر و فرزند خودش چادر تهیه کند؟ کاری که رضاخان با کشف حجاب انجام داد را برخی مسئولان مربوطه با بی‌توجهی به هزینه چادر انجام می‌دهند.

■ چرا هنوز تنگه هرمز مهم است

کانال تلگرامی آرشیو منابع سیاسی در مطلبی درباره بستن تنگه هرمز نوشت: تنش در خاورمیانه در حال افزایش است تا جایی که دونالد ترامپ رئیس‌جمهور امریکا، این روزها به دنبال کسانی است که حاضر هستند برای حفاظت از این شاهراه نفتی هزینه کنند. ترامپ این نکته را مطرح کرده است که خریداران آسیایی از طریق تنگه هرمز به مراتب بیش از ایالات‌متحده، به حمل‌ونقل نفت از طریق این تنگه تکیه می‌کنند، البته این نکته‌ای است که او بر مبنای آمار و اطلاعات به‌درستی تشخیص داده است.

تنها بخش کوچکی از نفت خام و میعانات، یک نوع نفت سبک استخراج‌شده از میدان‌های گاز است که از این منطقه به سمت بنادر امریکا منتقل می‌کند. این در حالی است که طی سه ماه گذشته، حدود ۸۰۰هزار بشکه در روز از تنگه هرمز عبور کرده است که ۶درصد از مجموع محمولات عبوری از بنادر خلیج‌فارس در عربستان سعودی، عراق، کویت، امارات متحده عربی و قطر به‌حساب می‌آید.

اکثر صادرات نفتی کشور به شرق چین، هند، ژاپن، کره‌جنوبی و تعدادی از کشورهای آسیایی از طریق این تنگه سرازیر می‌شود. در مجموع خریداران آسیایی بیش از ۸۰درصد از کل خام و عناصر معدنی را از طریق هرمز حمل می‌کنند، بنابراین آنها یک هدف آسان برای ترامپ هستند که اعتقاد دارد کشورهایی که نیاز به این تنگه دارند باید هزینه بیشتری برای محافظت از حمل‌ونقل از طریق آبراه مهم ایرانی انجام دهند. نگاهی به آمار حمل‌ونقل نفت خام از طریق تنگه هرمز نشان می‌دهد ژاپن با واردکردن روزانه ۵۸۰هزار بشکه از این منطقه، بزرگ‌ترین واردکننده نفت از این پایانه است که حدود ۳۰درصد از کل محموله‌های نفتی عبوری از این منطقه را از آن خود کرده است.

از سوی دیگر بیشترین زیان در صورت بسته شدن تنگه هرمز متوجه مشتریان آسیایی است. این در حالی است که ایالات‌متحده هنوز بخش اعظمی از نفت خام مورد نیاز خود را از عربستان سعودی خریداری می‌کند و طبق آمار بلومبرگ طی سه ماه گذشته روزی ۵۰۰هزار بشکه نفت از عربستان وارد کرده است. بیشتر صادرات نفتی از مسیر تنگه هرمز به کشورهای آسیای شرقی مانند چین، هند، ژاپن، کره جنوبی و برخی کشورهای دیگر در آسیا ارسال می‌شود. می‌توان گفت خریداران آسیایی تنگه هرمز بیش از ۸۰درصد از کل نفت خام و عناصر معدنی مورد نیاز این کشورها را به آنها می‌رساند. بزرگ‌ترین مشتریان نفت خام بنادر نفتی کویت و عراق، کشورهای چین و هند هستند که طبق آمار نفتکش‌ها، هر کدام به ترتیب در فاصله سه ماه مارس تا می، ۱/۲۴ میلیون بشکه در روز و ۱/۱۴ میلیون بشکه در روز، نفت صادر کرده‌اند. تقریباً بیش از ۲۰درصد از صادرات نفت و میعانات گازی امارات متحده از بندر نفتی فجیره، در خارج از تنگه هرمز مبادله می‌شود اما مابقی نفت کشورهای حاشیه خلیج‌فارس از تنگه هرمز عبور می‌کنند تا به اقیانوس هند برسند.

گزیده خبر

عضو کمیسیون امنیت ملی عنوان کرد

ضربه تاریخی ایران به وزارت جنگ امریکا با سرنگونی پهپاد متجاوز

عضو کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس تأکید کرد: هرچند تنش نظامی بین ایران و امریکا مدیریت شده اما به لحاظ حقوق بین‌الملل، جنگ بین ایران و امریکا آغاز شده است و آغازگر این جنگ هم امریکایی‌ها بوده‌اند.

حشمت‌الله فلاحت‌پیشه عضو کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس در گفت‌وگو با خبرنگار میزان، با اشاره به پیگیری‌های حقوقی تجاوز پهپادی امریکا به ایران، اظهار کرد: ماجرای تجاوز پهپادی امریکا، یک سازوکار سه بخشی را میان تهران و واشنگتن ایجاد کرده است که در هر سه بخش ایران می‌تواند دست برتر را داشته باشد. وی تصریح کرد: در حوزه نظامی، ایران با ساقط کردن پهپاد متجاوز امریکایی، ضربه‌ای را به پنتاگون وارد آورد که از تاریخ جنگ سرد به بعد، بی‌سابقه بوده است و به موجب این ضربه، برتری مطلق امریکا در نبردهای هوایی فروپاشید، لذا برای استراتژیست‌های نظامی امریکا مسجل شد که جنگ احتمالی با ایران، جنگی مدیریت‌ناپذیر خواهد بود و امریکای آغازگر این جنگ، پایان‌بخش آن نخواهد بود.

رئیس پیشین کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس با اشاره به ابعاد حقوقی نقض حریم هوایی ایران توسط پهپاد متجاوز امریکایی، گفت: در زمینه حقوق بین‌الملل، ایران باید از دو دسته کشورها اقدام به شکایت کند؛ نخست امریکا که با تجاوز پهپادی حاکمیت ملی و تمامیت ارضی ایران را نقض کرده و براساس فصل هفتم و ماده ۵۱ منشور ملل متحد، اقدامش قابل پیگیری است و دوم، آن کشورهای منطقه که میزبان ناوگان‌های نظامی متجاوز امریکایی هستند و در این مورد پهپادی، مشخصاً از امارات متحده عربی شکایت شود.

فلاحت‌پیشه بیان داشت: ایران باید در ذیل شکایت خود به مجامع بین‌المللی و شورای امنیت سازمان ملل، گزارشی تدوین کرده و در آن قید کند که چنانچه از خاک هر کشوری در منطقه، تجاوزی از ناحیه امریکایی‌ها صورت گیرد، ایران حق مقابله‌به‌مثل را در قبال آن کشور برای خود قائل است و کشور مزبور موظف به پرداخت خسارت به تهران خواهد بود. فلاحت‌پیشه در پایان با اشاره به ضرورت اقدامات بیشتر از ناحیه ایران در حوزه دیپلماسی عمومی برای افشای جنایت‌ها و تجاوزگری‌های امریکا گفت: طیف وسیعی از اقدامات جنایتکارانه و متجاوزانه از سوی امریکایی‌ها علیه مردم ایران رخ داده که به لحاظ حقوق بین‌المللی باید مورد پیگیری قرار گیرد، لازمه این امر فعال‌تر کردن بخش دیپلماسی عمومی است. از جنایت ناو وینسنس امریکا علیه ۲۹۰ مسافر پرواز ایرانی در تاریخ ۱۲ تیر ۶۷ تا تجاوزهای پهپادی امریکا، همه و همه در مجامع بین‌المللی قابلیت پیگیری حقوقی دارند که باید برای پیشبرد این امر، حوزه دیپلماسی عمومی کشور تقویت شود.